**درس خارج اصول استاد سید محمد جواد شبیری(دام ظله)**

**جلسه334 – 04/ 04/ 1399 بطلان وضوی ضرری /تنبیهات / قاعده لا ضرر**

**خلاصه مباحث گذشته و جلسه امروز:**

بحث درباره بطلان وضو و غسل ضرری در فرض جهل بود. در جلسات گذشته درباره آیه وضو و غسل و تیمّم، بحث شد و به این نتیجه رسید که تیمّم برای شخصی که وضو و غسل برای او ضرری است، ملاک تعیینی دارد و به همین دلیل نماز بدون تیمّم او باطل خواهد بود.

در این جلسه، با فرض حرمت اضرار به نفس، حکم وضوی ضرری مورد بحث واقع شده است.

## حکم وضوی ضرری در فرض پذیرش حرمت اضرار به نفس

یکی از مباحثی که آقای سیستانی در ادامه تنبیه بیان کرده اند این است که اگر قائل به حرمت اضرار به نفس شویم، آیا حرمت اضرار به نفس فساد وضو و غسل ضرری را در حال جهل و علم اثبات می کند یا در خصوص حالت علم مثبت فساد است یا هیچ اقتضایی نسبت به فساد وضو و غسل ندارد؟ از مباحث مطرح شده در کلام آقای سیستانی تنها قسمت هایی از آن را مطرح کرده، بحث می کنیم.

### کلام آقای سیستانی: اسباب و مسبّبات تولیدیه بودن وضو و اضرار

ایشان می فرماید: ما دلیلی بر حرمت اضرار به نفس به طور کلی نداریم و تنها در مواردی که اضرار در حد هلاک و ما یلحق به باشد، اضرار به نفس حرام است. به تعبیری دیگر که در کلام آقای سیستانی نیست، در جایی که اضرار به نفس مستلزم فساد الابدان باشد، محرّم است. ایشان در ادامه می فرماید: نسبت اضرار محرّم به وضو و غسل ضرری، نسبت اسباب و مسبّبات تولیدیه است. كالإلقاء و الإحراق و الرمي و القتل و نحو ذلك[[1]](#footnote-1) و هم چنانکه در بحث مقدمه حرام بیان کرده ایم، در متعلق حرمت در اسباب و و مسبّبات تولیدیه سه احتمال وجود دارد. احتمال اول که ایشان آن را ترجیح داده این است:

الاحتمال الأول: أن يكون مصب الحرمة إيجاد المسبب التوليدي كالحرق و الضرر. و حيث إن وجود المسبب التوليدي مغاير مع وجود سببه كالإلقاء للإحراق و الوضوء للإضرار، فيكون إيجاده أيضا مغايرا معه لان الفرق بين الإيجاد و الوجود إنما هو بمجرد الاعتبار. و عليه فيكون المحرم مغايرا وجودا مع ما هو سبب له. لا يقال: إن الاحكام التكليفية تتعلق بأفعال المكلفين و المسبب التوليدي كالإحراق و الإضرار ليس بفعل للمكلف بل الإحراق أثر النار بشرط المماسة مع الجسم، و الضرر أثر الماء بشرط المماسة مع البدن. فإنه يقال: إن هذا أمر غالبي و ليس شرطا إذ يكفي في صحة تعلق الحكم التكليفي بأمر كونه مقدورا للمكلف مع الواسطة.[[2]](#footnote-2)

ایشان پس از بیان احتمالات سه گانه می فرماید: همانگونه گه در جایگاه خویش بیان کردیم، احتمال اول اظهر است. بنابر احتمال اول، متعلّق حرمت با وضو و غسل اتحاد ندارد. پس بطلان وضو یا غسل به علت ضرری بودن تنها به واسطه اخلال به قصد قربت است و اخلال به قصد قربت در فرض جهل مرکب به مضرّ بودن یا اطمینان به عدم یا غفلت یا نسیان وجود ندارد. اما در صورتی که علم به ضرری بودن یا ما فی حکمه وجود داشته باشد، دو جهت وجود دارد: جهت محبوب طهارت که بر عمل مترتّب است و جهت امر مبغوض اضرار که بر آن مترتّب است و بعید نیست در صورتی که عمل را به داعی ترتّب جهت محبوب بیاورد، قصد قربت متمشّی شود.

مراد از «ما فی حکمه» در کلام ایشان یا اماره معتبره است یا صرف احتمال ضرری بودن و در مقابل صور بالاست.

#### ادامه کلام آقای سیستانی: تغایر اضرار و وضو

آقای سیستانی اینگونه تعبیر کرده که وجود حقیقی احراق و حرقه و احتراق با هم وحدت داشته و تنها اعتبارا با هم تفاوت دارند همانگونه که وجود حقیقی اضرار و تضرّر نیز واحد است و تنها بالاعتبار متفاوت هستند. مانند ایجاد و وجود. از سویی دیگر، مسلّم است القاء غیر از احتراق است و وضو غیر از تضرّر است. در نتیجه احراق و اضرار غیر از القاء و وضو خواهد بود.

### کلام مرحوم نائینی: اطلاق عناوین تولیدیه بر اسباب (اطلاق ضرر بر حکم ضرری)

پیش از باز کردن بحث به این نکته اشاره می شود که آقای سیستانی پس از بیان مفاد ضرر، ضرار و هیئت ترکیبی، وارد بحث از سایر مبانی می شوند. یکی از مبانی که ایشان اشاره کرده، مبنای مرحوم نائینی است. ما در بحث مفاد «لا ضرر و لا ضرار» به این بحث اشاره نکردیم اما در اینجا عبارت آقای سیستانی خوانده می شود و نسبت بین عبارت ایشان در آن بحث و بحث حاضر را بررسی می کنیم. ایشان می فرماید:

المسلك الأول: تفسير (لا ضرر) بنفي الحكم الضرري و ذلك بتقريب ذكره المحقق النائيني، و تبعه عليه غير واحد و هو أن الضرر المنفي‌ في الحديث عنوان ثانوي متولد من الحكم، و نسبته إليه نسبة السبب التوليدي إلى مسببه، ( به این معنا که نسبت حکم به ضرر منفی، نسبت سبب تولیدی به مسبّب است) كالقتل إلى قطع الرقبة و الإحراق إلى الإلقاء في النار و الإيلام إلى الضرب و نحو ذلك.[[3]](#footnote-3) و إطلاق العناوين التوليدية على أسبابها شائع متعارف لا يحتاج إلى أية عناية فيكون مجازا (عناوین تولیدیه مانند قتل، احراق و ایلام را می توان به اسباب نسبت داد) و المقام من هذا القبيل، فيكون المراد من نفي الضرر نفي سببه المتحد معه و هو الحكم

#### اشکال آقای سیستانی: انطباق اضرار بر حکم ضرری نه ضرر

آقای سیستانی پس از بیان تفاوت این مسلک با مسلک مختار ایشان، می فرماید:

(إن قيل): إنه يعتبر في العنوان التوليدي عدم تخلل إرادة من فاعل مختار بينه و بين السبب كعدم تخللها بين الإلقاء و الإحراق، و المقام ليس من هذا القبيل في مثل إيجاد الوضوء و الحج الضرريين، لان الحكم فعل للشارع و الضرر إنما يترتب على امتثال العبد بإرادته و اختياره، فكيف يحمل الضرر على الحكم. (قيل): إن إرادة العبد في عين كونها اختيارية مقهورة لإرادة الله سبحانه، لان العبد ملزم عقلا و مجبور شرعا بالامتثال، فالعلة التامة لوقوع المتوضي أو الشريك أو الجار في الضرر هي الجعل الشرعي.

ایشان در ادامه اشکالاتی را بر مسلک مرحوم نائینی وارد می کند:

و لكن هذا التقريب ضعيف: أولا: لأن الإشكال المطروح لا واقع له، فإن المقام ليس من قبيل الأسباب و المسببات التوليدية ...

و ثانيا: إن الضرر المترتب على العمل لا يترتب عليه دائما مباشرة،...

ایشان در اشکال سوم می فرماید:

و ثالثا: إن العنوان التوليدي إنما ينطبق على سببه بالمعنى المصدري المتضمن للنسبة الصدورية لا بالمعنى الاسم المصدري و نحوه مما لا يتضمن نسبة صدورية و لذا لا يقال على الإلقاء إنه احتراق و لكن يقال إنه إحراق، لان الإحراق يتضمن نسبة صدورية دون الاحتراق، و على هذا فما ينطبق على الحكم هو عنوان الإضرار و الضرار لا عنوان (الضرر) لانه معنى اسم مصدري على ما سبق.[[4]](#footnote-4)

#### مناقشه: تهافت کلام آقای سیستانی در دو مقام

آقای سیستانی در اشکال سوم می فرماید: به القاء، احراق گفته می شود هر چند بر آن، احتراق صدق نمی کند. مطابق این بیان، به وضو اضرار گفته می شود هر چند به وضو، ضرر گفته نشود و آنچه محرّم است، اضرار است. پس اضرار محرّم با وضو منطبق می شود. بنابراین ایشان چگونه در تنبیهات می فرماید: اضرار ایجاد تضرّر است و چون ایجاد تضرّر با ضرر وحدت دارد و ضرر نیز با وضو مختلف است و معلول و مسبّب وضوست، قهرا اضرار و وضو، دو شیء مختلف خواهند بود؟

به نظر می رسد این دو بیان قابل جمع نیست.

به نظر ما، اضرار را می توان بر وضو حمل کرد اما آیا این حمل به دقت عقلی است یا به دید عرفی است؟

### کلام شهید صدر: وحدت عرفی اضرار و حکم ضرری

شهید صدر حمل اضرار بر وضو را به نظر عرفی می داند شبیه به مطلبی که آقای سیستانی فرموده است. شهید صدر در توضیح کلام مرحوم نائینی می فرماید: هر چند اضرار با ضرر حقیقتا مختلف است و در نتیجه حکم شارع (مثلا وضو) نمی تواند اضرار باشد، اما اضرار عرفا با وضو متحد است. عبارت مباحث الاصول به این صورت است:

ما ذكره المحقّق النائيني قدّس سرّه: من أنّه أطلق لفظ (الضرر) على الحكم الّذي ينشأ منه الضرر، لا مجازا بل حقيقة، و ذلك تطبيقا لقاعدته التي نقّحها هو قدّس سرّه: من أنّ السبب يكون مصداقا لمسبّبه التوليدي عرفا، و إن افترقا فلسفيّا، فالإلقاء في النار مثلا بنفسه إحراق، و إن كان الإحراق فلسفيّا هو عين الاحتراق، فإنّ الاحتراق إذا نسب إلى الفاعل سمّي إحراقا، و هو غير الإلقاء في النار فلسفيّا. فطبّق قدّس سرّه هذه القاعدة على ما نحن فيه، و ذكر: أنّ الضرر يصدق على نفس الحكم باعتباره مسبّبا توليديّا له.[[5]](#footnote-5)

ایشان پس از اعتراض، این جواب را بیان می کند:

و لكنّ الظاهر أنّ مقصود المحقّق النائيني قدّس سرّه ليس هو إلحاق المقام بالمسبّبات التوليديّة فلسفيّا و بالدّقة العقليّة، بل مقصوده إلحاقه بها عرفا باعتبار أنّ الكلام في الاستظهار العرفي، و بما أنّه كان الحكم الضرري بالنسبة للعبد المنقاد كالعلّة التامّة لتحقّق الضرر يسند العرف الضرر إلى الحكم و يعنونه به، و لذا يقال عرفا مثلا: إنّ جعل الحكومة للقانون الكذائي إضرار بالرعيّة من دون أيّ مسامحة في هذا التعبير.

### عدم تناسب ورود بحث ایجاد و وجود و مسبّبات تولیدیه در بحث اصولی حاضر

به نظر می رسد تناسب ندارد دو بحث را وارد کنیم. اول اینکه، ایجاد و وجود مثل هم است. دو اینکه، بحث مسبّبات تولیدیه و مانند آن که ورود آن باعث پیچیدگی بحث شده بدون آنکه نکته خاصی را اضافه کند.

در توضیح باید گفت: اضرار فعلی از افعال ضارّ است و مصبّ اضرار، ضرر زننده است و وصف قائم به مضرّ است. در حالی که تضرّر، وصف قائم به متضرّر است. اما اینکه آیا از نظر فلسفی وحدت دارند یا نه؟ مورد بحث ما نیست.

#### طرح بحث ایجاد و وجود در بحث از صفات الهیه

البته باید دقت داشت: بحث فلسفی وحدت ایجاد و وجود، ذیل بحث صفات الهی است. برخی از صفات الهی مانند علم و قدرت، صفت ذات است و با ازلی بودن ذات، ازلی هستند و زمان بردار نیستند. برخی دیگر از صفات الهی مانند خالقیت، صفت فعل است و این صفت زمان بردار است و خالق بودن خداوند در زمان مخلوق است. حال چگونه وصف الهی زمان بردار است در حالی که خود خداوند قدیم است؟ در پاسخ گفته شده است: اوصاف بر دو قسم اوصاف فعل و اوصاف ذات. اوصاف فعل مانند خلق از وجود خارجی مخلوق انتزاع می شود و زمان خلق، زمان مخلوق است. پس نباید اوصاف فعل را با اوصاف ذات، مقایسه کرد.

اساسا فهم دقیق صفت فعل، وابسته به فهم رابطه بین قدیم و حادث است که قدیمی که زمان بردار نیست، چگونه حادث زمانی را خلق می کند؟ این رابطه از معضلات فلسفی است و فهم آن به نحو دقیق بسیار مشکل است هر چند به نحو اجمالی قابل فهم است.

به نظر می رسد نباید بحث یکی بودن ایجاد و وجود که در فسلفه مطرح شده و مطلب صحیحی است را درباره رابطه بین دو مخلوق مطرح کرد. به این صورت که مثلا مخلوق به مخلوق دیگر ضرر وارد می کند. در این مثال، مخلوق اول مضرّ و مخلوق دوم متضرّر است. فعل مخلوق اول و وصفی که در اثر ضرر زدن مضرّ به متضرّر ایجاد می شود و قائم به مضرّ است را اضرار تعبیر می کنیم و وصف قائم به متضرّر را تضرّر می گوییم. فارغ از بحث دقت فلسفی، روشن است اضرار بما انه فعل للمضرّ و وصف قائم للمضرّ با تضرّر بما انه وصف قائم للمتضرّر از نظر عرفی متفاوت است. پس باید در بحث حاضر، دید عرفی درباره نفس مفهوم اضرار و تضرّر را بررسی کرد و نباید آن را با ایجاد و وجود، مقایسه کرد.

#### روشن تر بودن حمل اضرار بر وضو از وحدت تضرّر و اضرار

نکته دیگر این که حمل شدن حقیقی وضو و اضرار، روشن تر از مطلبی است که در کلمات شهید صدر و آقای سیستانی وارد شده که وضو و اضرار دو وجود مختلف دارند. اگر این مطلب صحیح باشد که تضرّر و اضرار یک شیء هستند، وضو و اضرار و تضرّر یکی خواهند بود. آقای سیستانی بالوجدان فهمیده اند که وضو که فعل قائم به مضرّ است و تضرّر که وصف قائم به متضرّر است، یک شیء هستند اگر ایشان این درک وجدانی را حقیقی بدانند باید قائل شوند، وضو و اضرار و تضرّر یکی هستند. زیرا حقیقی بودن حمل وضو بر اضرار وجدانی تر از وحدت اضرار و تضرّر است و اضرار و تضرّر تنها به دقت عقلی می تواند وحدت داشته باشند و از نظر عرفی، دو شیء هستند.

نتیجه آنکه قاعده فلسفی «الایجاد و الوجود واحد حقیقتا مختلفان بالاعتبار» که برای حل مشکل صفات الهی است را نباید در بحث حاضر وارد کرد که باعث ایجاد مشکل در بحث می شود. چنانچه تعبیر مسبّب تولیدی نیز نیازی نیست در بحث مطرح شود. زیرا بحث اصلی این است که بر حکم شرعی اضرار صدق می کند یا نه؟ حاج آقای والد بیان می کردند: برخی از اصولی ها اصطلاحاتی را وارد بحث کرده اند که فهم این اصطلاحات و جایگاه آنها در بحث، موجب خسته شدن ذهن است و در نتیجه نمی تواند درباره قسمت اصلی بحث که صحت مطلب است، فکر کند. ورود بسیاری از اصطلاحات و مباحث فلسفی، مضرّ بوده و سودمند نیستند زیرا اندیشه انسان را خسته می کند و مجال نمی دهد که نسبت به لبّ اصلی بحث، تفکّر کند.

خلاصه آنکه بدون شک وضو و اضرار بر هم حمل می شوند و همین نشانگر وحدت وجودی این دوست. بنابراین اگر اضرار و تضرّر حقیقتا یکی باشند، وضو و اضرار و تضرّر واحد خواهند بود.

#### لزوم دقت در داخل کردن دقت های عقلی در اصول

مطلب دیگر که در کلام شهید صدر نیز اشاره شده این است که نباید بی محابا دقت های عقلی را در اصول وارد کرد. مثلا اگر در اجتماع امر و نهی به دقت عقلی، مصبّ امر و نهی مختلف باشند ولی عرفا مصبّ این دو واحد باشند، همان نتیجه وحدت حقیقی مصبّ امر و نهی در وحدت عرفی امر و نهی نیز وجود دارد. زیرا اشکال این است که به شیء واحد نمی توان امر و نهی کرد. حال اگر عرف مصبّ امر و نهی را متحد بداند، ادله امر و نهی را با هم متعارض می بیند و باید از اطلاق یکی از ادله رفع ید کرد.

برخی از اصولی ها در بحث اجتماع امر و نهی مطرح کرده اند: یکی از ادله بر جواز اجتماع امر و نهی این است که تعدّد عنوان باعث تعدّد معنون است. این مقدار بیان برای اثبات مطلب کافی نیست بلکه باید ثابت شود، از نظر عرفی نیز تعدّد عنوان باعث تعدّد معنون می شود تا مشکل امتناع اجتماع امر و نهی حل شود و قطعا به دید عرفی این گونه نیست و تنها به دقت عقلی می تواند تعدّد عنوان موجب تعدّد معنون شود و تغایر به دقت عقلی، برای حل مشکل اجتماع امر و نهی، کافی نیست.

شهید صدر به تفصیل درباره ارزش دقت های عقلی بحث کرده اند. از جمله ایشان بیان می کند: گاه انسان از کلام ادراکی عرفی دارد و ظهور را درک می کند اما به علت وجود شبهه، این ظهور را نمی پذیرد. در این فرض، با دقت عقلی شبهه را دفع می کنیم و با دفع شبهه، ظهور به فعلیت می رسد نه به این دلیل که دقت عقلی نفس ظهور را ایجاد کرده بلکه دقت عقلی مانع اذعان نفس به ظهور را برطرف می کند و باعث می شود انسان ظهور شخصی را کشف کند و با آن ظهور نوعی را به دست آورد.

به نظر می رسد باید بحث های اصولی را از اصطلاحی سخن گفتن، فاصله داد زیرا برخی از اصطلاحات رهزن است. حاج آقای والد به این دلیل که احساس می کنند اصطلاحات باعث دور شدن از واقع بحث هاست، اصطلاح به کار نمی برند و همین باعث حصول اندماج در مباحث ایشان است. به نظر می رسد استفاده محدود و معقول از اصطلاحات موجب شکل گرفتن مباحث می شود و در مقام تفهیم و تفاهم بهتر می توان آنها را منتقل کرد. اما باید توجه داشت: اصل اصطلاحات برای تنظیم مطالبی است که با وجدان درک می کنیم و نباید به حدی اصطلاحات زیاد شود که تصور شود با فهم اصطلاحات، مشکل حل شده است. برخی، صورت سازی های ظاهری موجود در بحث علمی را مغنی از اصل بحث می دانند. در کتاب «هرم هستی» مرحوم مهدی حائری یزدی، برهان صدیقین به صورت منطق ریاضی و اشکال ریاضی بیان شده است. در حالی که مشکل برهان صدیقین مشکل شکلی نیست و اگر کسی برهان صدیقین را نمی پذیرد به علت انکار برخی از مقدمات آن است و صرف صورت سازی های ظاهری دخالت چندانی در بحث ندارد. پس نباید تصور کرد با تبدیل استدلال به منطق ریاضی، مشکل برهان صدیقین حل می شود.

### کلام مرحوم عراقی: عدم حمل اضرار بر ضرب

مرحوم آقا ضیاء در جواب مرحوم نائینی می فرماید:

و ما توهّم: من كون المسببات التوليديّة عناوين لأسبابها فتصح المرآتية ، فاسد، لما ذكرنا من كون الملاك حمل العنوان على المعنون. و معلوم أنّ الإحراق‏ و الحرقة، أو الإضرار، لا يحمل على الإلقاء و التلقي و الضرب حتى يكون عنوانا؛ بخلاف المحرق و المضرّ.[[6]](#footnote-6)

ایشان بیان می کند: احراق و حرقه و اضرار بر القاء حمل نمی شود در حالی که روشن است اضرار حمل بر القاء می شود و فعل محرق است. به همین دلیل می توان گفت: «الالقاء فی النار اضرار بالغیر» و بین «الالقاء احراق» و «الالقاء محرق» تنافی وجود ندارد.

در کلام آقای سیستانی به دو مشکل در بحث اجتماع امر و نهی شده است. ایشان به علت اختلاف متعلّق امر (وضو) و نهی (اضرار به نفس)، مشکل عام را وارد نمی دانند اما مشکل خاص تمشّی قصد قربت که در موارد عبادی مطرح است را وارد دانسته و در اینجا ایشان تمشّی قصد قربت را تصحیح می کنند.

احتمالا مراد آقای سیستانی این است که تمشّی قصد قربت به طور کلی در بحث اجتماع امر و نهی، قابل تصحیح است و گرنه نکته خاصی در بحث حاضر وجود ندارد که بر خلاف بحث کلی اجتماع امر و نهی باعث تمشّی قصد قربت شود.

### خلاصه: حمل وضو و اضرار بر یکدیگر

محصّل بحث این که بی تردید وضو و اضرار بر هم حمل می شوند و مصداق واحد دارند و از مصادیق بحث اجتماع امر و نهی است. اگر اجتماع امر و نهی را جایز بدانیم و به مشکل تمشّی قصد قربت پاسخ دهیم، وضو صحیح خواهد بود و در غیر این صورت باید حکم به بطلان وضو کرد.

بحث امسال به پایان رسید. انشاء الله در سال تحصیلی آینده ابتدا تنبیهات باقیمانده از قاعده «لا ضرر» را بحث خواهیم کرد، سپس وارد بحث استصحاب می شویم. به شرط حیات و التوفیق من الله و از همه التماس دعا دارم و تقصیرها و قصورها را بر ما ببخشید.

1. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 288 [↑](#footnote-ref-1)
2. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 289 [↑](#footnote-ref-2)
3. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 160 [↑](#footnote-ref-3)
4. قاعدة لا ضرر و لا ضرار (للسيستاني)؛ ص: 162 [↑](#footnote-ref-4)
5. [مباحث‌ الأصول (تقریر حائری)، السید محمد باقر الصدر، ج4، ص539.](http://lib.eshia.ir/13104/4/539/%D8%A7%D8%AD%D8%B1%D8%A7%D9%82) [↑](#footnote-ref-5)
6. قاعدة لاضرر و لاضرار ؛ ص144 [↑](#footnote-ref-6)